

بازنمایی اجتماعی کنش‌های گفتاری زنان (مورد مطالعه: رمان‌های هوشنگ مرادی کرمانی)

فرناز ملکی سروستانی^۱، مهناز جوکاری^۱ و علی روحانی^{۲*}
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۵

چکیده

زبان تجلی‌گاه فرهنگ مردم یک جامعه است و بررسی آن می‌تواند زوایای پنهان فرهنگ جامعه را نمایان کند. بویژه در گفت‌وگوهای میان افراد که نمونه‌ی کامل و مشخصی از افکار و فرهنگ جوامع، در بافت زمانی و مکانی ویژه‌ای است. این پژوهش نیز با توجه به اهمیت زبان در تعاملات اجتماعی و با توجه به نقش محوری زنان در شکل‌گیری خانواده و اجتماع، قدم در عرصه گفتار نهاده تا کنش‌های گفتاری زنان را در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بررسی کند. این بررسی با استفاده از دیدگاه و روش جان سرل^۳ انجام گرفته است. سرل کنش‌های گفتاری را در پنج دسته اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی تقسیم کرده است و برای تعیین هر یک به بررسی بافت موقعیتی گفتار، اعم از زمان و مکان و جایگاه افراد، تأکید داشته است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان دادند که زنان به دلیل نداشتن قدرت در جوامع روستایی، بیش‌تر از کنش‌های گفتاری ترغیبی استفاده می‌کنند و کنش‌های اظهاری و عاطفی بکار برده شده نیز بیش‌تر در راستای ترغیب مخاطب هستند تا بدین‌وسیله به گونه غیرمستقیم دیگران (بویژه مردان و شوهران) را برای رسیدن به خواسته‌های خود ترغیب و تشویق کنند. هم‌چنین، از کنش‌های اعلامی و تعهدی که نیاز به کنشگری مستقیم فرد دارد، کم‌تر استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی اجتماعی، کنش‌های گفتاری، زبان، زنان، بافت اجتماعی.

^۱ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (ادبیات کودک).

^۲ - استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.

* - نویسنده مسئول مقاله: aliruhan@yazd.ac.ir

پیشگفتار

زبان به‌مثابه عاملی کاربردی در ارتباطات روزمره، نقشی به‌سزا در نشان‌دادن فرهنگ مردم ایفا می‌کند که می‌توان از راه آن به دریافتی ویژه از باورهای افراد رسید و به نقد عملکرد افراد در طول زمان پرداخت. این آگاهی از لایه‌های زیرین فرهنگ و جامعه، می‌تواند به آسیب‌شناسی رویکردهای جوامع و بهبود آن کمک کند. زبان گسترده‌ترین شکل ارتباط اجتماعی است زیرا بسیاری از باورها و فرضیه‌ها را می‌توان از راه بررسی‌های زبانی شناسایی کرد. فرکلاف^۱ در این باره می‌گوید: «این یک مبارزه بر سر زبان است، به این معنا که زبان فقط یک مکان برای مبارزه اجتماعی نیست بلکه هم‌چنین، یک موضوع مبارزه است. یک جنبه مهم از قدرت اجتماعی، در قدرت تعیین معانی واژه‌ها و هنجارهای مشروع اجتماعی نهفته است.» (Stephens, 2003).

زبان به‌مثابه جولانگاه اندیشه و نمود فرهنگ و کنش‌های بشری از اهمیتی ویژه در مباحث و مطالعات اجتماعی برخوردار است زیرا ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و جوامع را می‌توان از راه زبان تشخیص داد. بویژه در روند گفت‌وگوهای میان افراد که می‌تواند نمونه‌ای کامل و مشخص از افکار و فرهنگ جوامع، در بافت زمانی و مکانی ویژه باشد. هر جمله‌ای باید در موقعیت مناسب خود به کار رود تا بتواند در ایجاد ارتباط سهمی داشته باشد. در این میان، فضای هنر و ادبیات، بویژه رمان، می‌تواند نمایانگر این عرصه‌ها و کنش‌های اجتماعی افراد، در بافت زمانی و مکانی متفاوت باشد. به‌همین دلیل، باختین رمان را مجموعه‌ای از گفتارهای اجتماعی و صدهای فردی می‌داند که هنرمندانه سازمان یافته‌اند. وی در این باره می‌گوید:

«گفتار نویسندگان، گفتارهای راویان، گونه‌هایی که در رمان گنجانده شده‌اند و گفتار شخصیت‌ها صرفاً همان واحدهای بنیادین ترکیب نگارشی هستند که به مدد آن‌ها دگرمفهومی می‌تواند قدم به رمان گذارد. هر یک از این واحدها امکان بوجود آمدن کثرت صدهای اجتماعی و مجموعه‌ی متنوعی از ارتباطات و روابط متقابل آن‌ها را (که همواره کم‌وبیش مکالمه‌ای هستند) فراهم می‌آورد» (Bakhtin, 2012)

هر جمله‌ای می‌تواند سهم خاصی در ایجاد ارتباط داشته باشد زیرا ما جمله‌هایی را که به کار می‌بریم، برحسب موقعیت‌هایی انتخاب می‌کنیم که در آن حضور داریم.

«می‌دانیم که با مخاطبانمان برحسب سن، جنس، موقعیت اجتماعی، رابطه‌شان با ما چگونه صحبت کنیم، چطور به آن‌ها سلام کنیم، احوال‌پرسی کنیم، از چه نوع واژه‌هایی استفاده کنیم، با چه لحنی سخن بگوییم، تا چه حد بلند یا آهسته صحبت کنیم و خلاصه کلام این‌که چگونه زبان را به کار گیریم. از سوی دیگر، در مقام مخاطب نیز می‌دانیم چه نوع جمله‌ای ما را وادار می‌سازد تا

^۱ - Norman Fairclough

کاری انجام دهیم، پاسخی بدهیم و خلاصه اینکه در برابر آنچه می‌شنویم، واکنشی نشان دهیم» (Safavi, 2004)

به‌همین دلیل، بررسی گفتار و چگونگی بیان شخصیت‌ها در رمان، می‌تواند نشان‌دهنده رفتارهای اجتماعی یا تیپیک افراد در بسترهای اجتماعی خاص باشد؛ بویژه گفتارهای زنان که به‌دلیل داشتن قدرت کم‌تر در طول تاریخ، می‌تواند به‌گونه‌ای متفاوت از مردان نمود یابد و نشانگر موقعیت خاص و ویژه آن‌ها در برهه‌های زمانی و مکانی متفاوت باشد. با این دیدگاه، نظریه کنش‌های گفتاری، به‌دلیل اهمیت‌دادن به بخش مفهومی و معنایی گفتار با توجه به بافت زمانی و مکانی، می‌تواند بستری مناسب برای دریافت موقعیت‌ها و کنش‌های زنان در موقعیت‌های متفاوت باشد. به‌همین دلیل، هوشنگ مرادی کرمانی که در مقام نویسنده رمان‌های اجتماعی چندین دهه در این راستا قلم زده است و رمان‌هایش نمود اندیشه‌های اجتماعی متفاوت و تضادهای قدرت در طول تاریخ است، به‌عنوان نمونه تحلیلی انتخاب شده است. چهار رمان این نویسنده، براساس نوع بافت موقعیتی مشترک، به‌عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شده‌اند که عبارتند از: **بچه‌های قالی‌باف‌خانه، مشت بر پوست، آب‌انبار و خمره**. از آن‌جا که مرادی کرمانی نویسنده‌ای تأثیرگذار در حوزه اجتماعی ایران است که تا به حال از آثارش اقتباس‌های سینمایی و سریالی بسیاری شده و کارهایش تاکنون به زبان‌های زیادی ترجمه شده است، ضرورت بررسی داستان‌های وی از این منظر با توجه به اهمیت این آثار در نمایاندن فضای اجتماعی ایران در طول چند دهه گذشته است، بیش‌تر نمایان می‌شود.

پرسش‌هایی که این پژوهش بر مبنای پاسخگویی به آن‌ها شکل گرفته است، بدین شرح است:

۱. کنش‌های گفتاری زنان این داستان‌ها تا چه حد بیانگر بافت اجتماعی- فرهنگی جامعه است؟ و نویسنده در به تصویر کشیدن فضای جامعه با استفاده از عنصر زبان چقدر موفق عمل کرده است؟
۲. پرکاربردترین و کم‌کاربردترین کنش‌های گفتاری از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل در داستان‌های بررسی شده چیست؟ این کنش‌ها چه نقشی را در پیش‌برد داستان ایفا می‌کنند؟
۳. علت کاربرد وسیع یک کنش گفتاری در داستان‌ها نسبت به دیگر کنش‌های گفتاری چیست؟ نظریه کنش‌های گفتاری تا به حال در زمینه‌های گوناگون به‌عنوان رویکرد تحلیل، استفاده شده است، اما در این میان بیش‌تر پژوهش‌ها در حوزه زبان‌شناسی انجام گرفته است، اما باز هم این پژوهش‌ها انگشت‌شمار هستند؛ از جمله پژوهشی با عنوان «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار» (Pahlevannejad and Rajabzade, 2010) انجام شده است که که نگارندگان این مقاله به دنبال بررسی دلایل برقراری ارتباط عاطفی مخاطب با زیارت‌نامه امام رضا، از منظر نظریه کنش گفتار هستند. هم‌چنین، «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا، شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل» (Pahlevannejad and estahbanati, 2008)

عنوان پژوهش دیگری است که در این پژوهش با مقایسه شیوه سخنرانی احمدی‌نژاد و بوش در سازمان ملل، به دسته‌بندی آماری در این زمینه دست زده است که تا چه اندازه هر دو رئیس‌جمهور در پی القای حرف و نظر خود به مخاطب بوده‌اند. البته، می‌توان به پژوهشی با عنوان «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی» (Pishghadam, 2014) اشاره کرد که به مقایسه کنش نفرین در این دو زبان، با محوریت بررسی فیلم‌های فارسی و انگلیسی پرداخته‌اند. «مقایسه کنش‌های گفتار در پیامک‌های فارسی زنان و مردان جوان، براساس طبقه‌بندی سرل» (Hosseinimasoum and Khavari, 2014) از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه است. دو پژوهش نیز با این دیدگاه در حوزه ادبیات انجام گرفته است: «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار» (Zarghani and Akhlaghi, 2011) عنوان مقاله‌ای است که در آن نویسندگان با بررسی شطحیات روزبهران بقلی شیرازی، به این نتیجه رسیده‌اند که ژانر شطح با وجود این که در فضایی ناخودآگاه بیان می‌شود، اما از کنش‌های اظهاری و ترغیبی در آن استفاده شده است. هم‌چنین، پژوهشی با عنوان «بررسی سطوح گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه» (Jalali and Sadeghi, 2014) با دسته‌بندی کنش‌های گفتاری زنان براساس تقسیم‌بندی سرل، به بررسی این کنش‌ها در موقعیت‌های بیانی آن‌ها با دیگران می‌پردازد.

بر همین اساس، این پژوهش را می‌توان از پژوهش‌های انگشت‌شماری قلمداد کرد که در حوزه‌ای میان‌رشته‌ای (علوم اجتماعی/ ادبیات/ مطالعات زنان/ زبان‌شناسی) انجام می‌گیرد و کنش‌های زبانی زنان را در رمان‌هایی که ساختار جامعه ایران را نشان می‌دهند، مورد بررسی اجتماعی قرار می‌دهد و در این مسیر می‌کوشد تا بازنمایی اجتماعی این کنش‌های زبانی را نشان دهد.

چارچوب نظری و مفهومی

نظریه کنش گفتار، اولین بار توسط آستین، یکی از فلاسفه‌ی مکتب آکسفورد، معرفی شد. آنچه او مطرح کرد، درواقع واکنشی مخالف بود در برابر سه رکنی که در میان معنی‌شناسان، مبنای نگرش نسبت به معنی قرار می‌گرفت. مخالفت آستین با این دیدگاه به این دلیل بود که زبان تنها برای اطلاع‌دادن به کار نمی‌رود و صدق بسیاری از جملات، تعیین‌پذیر نیست.

به باور آستین «نقش اصلی زبان، صرفاً اخبار- صادق یا کاذب- از واقعیت نیست بلکه با زبان، افعال متنوع بسیاری می‌توان انجام داد. آستین نخستین فیلسوفی بود که بیان کرد در میان اظهارات زبانی، طبقه‌ای مهم وجود دارد که دارای صورت جمله‌های خبری‌اند؛ باین‌حال، نه صادقند و نه کاذب زیرا قصد گوینده از ادای این جملات، توصیف وضع و حال یا موقعیتی نیست، بلکه انجام یک فعل به وسیله‌ی همین جملات است.» (Searle, 2006).

آستین این جملات را کنشی می‌نامد و نتیجه می‌گیرد که همه گفته‌ها کنش‌های کلامی هستند زیرا «گفته‌های قطعی گفته‌هایی است که مشمول صدق و کذب می‌شوند، یعنی درست یا غلط بودن آن‌ها در تطبیق با واقعیت قابل اثبات است، اما گفته‌های کنشی گفته‌هایی هستند که در مورد آن‌ها نمی‌توان قضاوت درست یا نادرست داشت» (Dorpar, 2013). این مسئله، اهمیت بافت موقعیتی را در تعیین معنا و مفهوم کنش‌های گفتاری مشخص می‌کند زیرا کنش‌های گفتاری صرفاً به مطالعه دلالت‌های درون‌زبانی نمی‌پردازد بلکه به معنی آن به هنگام کاربرد متمرکز است. «آن دسته از معنی‌شناسانی که صرفاً به مطالعه معنی درون‌زبانی یا مفهوم دلخوش کرده‌اند، بر این باورند که معنی جمله جدا از هر بافتی قابل تعیین است و اهل زبان نیز معنی هر جمله را پیش از کاربرد آن جمله در موقعیتی مشخص درمی‌یابند. به این ترتیب، معنی را می‌توان مستقل از بافت دانست، ولی آیا به‌واقع محیط خارج از زبان، هیچ تأثیری در معنی جملات زبان ندارد؟ آیا این جهان خارج و شرایط محیطی حاکم بر گوینده و شنونده یا همان بافت موقعیتی نیست که در تعیین معنی جمله دخالت دارد؟» (Safavi, 2004). بنابر نظر آستین، وقتی گفته‌ای بیان می‌شود، سه کنش هم‌زمان انجام می‌گیرد:

نخستین کنش، کنش گوینده گفتار است «تولید یک کارگفت نیازمند گوینده‌ای است که چنین پاره‌گفتاری را تولید کند، وی این عمل را کنش بیانی^۱ می‌نامد. افزون بر این، کارگفت یادشده تأثیری بر مخاطب می‌گذارد. آستین این تأثیر را کنش غیربیانی^۲ می‌نامد.» که معمولاً کنش گفتاری به همین کنش غیربیانی بازمی‌گردد که نشانگر تأثیر بیان بر مخاطب براساس بافت موقعیتی هر دو طرف گفت‌وگوست و در آخر کنش پس‌بیانی است که آستین «به کنش پس‌بیانی^۳ نیز اشاره می‌کند که در اصل، واکنش مخاطب نسبت به کنش غیربیانی است.» (Safavi, 2004).

در کنار آستین، فیلسوفان و زبان‌شناسان بسیاری به بررسی ماهیت کنش‌های گفتاری و طبقه‌بندی آن پرداخته‌اند که در میان آن‌ها جان سرل طبقه‌بندی منسجم‌تری دارد. او تحت تأثیر آستین، این کنش‌های گفتاری را در پنج گروه تقسیم و طبقه‌بندی کرده است: کنش‌های اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی. سرل با پذیرش پیش‌فرض‌های اساسی و کلی آستین، مسیر وی را تکمیل می‌کند و کنش‌های گفتاری آستین را با توجه به مطالعات گسترده‌اش به پنج دسته کنش افزایش می‌دهد. به دلیل این‌که این پژوهش از روش سرل استفاده کرده است، برای جلوگیری از تکرار بی‌مورد این کنش‌ها هم در بخش نظری و هم در بخش یافته‌ها، سعی خواهد شد در قسمت

¹ - Locutionary Act

² - Illocutionary Act

³ - perlocutionary Act

بحث و بررسی، ابتدا به صورت نظری کنش‌های سرل ارایه شوند و سپس نمونه‌های عینی از رمان‌ها ذکر شوند و کنش‌های گفتاری زنان بررسی شوند.

روش‌شناسی

این پژوهش سعی کرده است از الگوی نظری جان سرل استفاده کند و با استفاده از روش وی در بررسی کنش‌های گفتاری زنان عمل کند. روش‌شناسی جان سرل حول پنج دسته کنش گفتاری می‌چرخد که به گونه‌ای کنش‌های گفتاری تمامی افراد را دربرمی‌گیرد. در این روش، کنش‌های گفتاری به طور کامل بازنمایی اجتماعی بافت و بستر جامعه هستند. یعنی بافت و بستر جامعه در چارچوب این کنش‌های گفتاری سامان می‌یابد. براساس چنین نگرشی، بافت گفتار می‌تواند عملکردهای اجتماعی انسان را نشان دهد. «جملات کنشی جملاتی هستند که تولیدشان با توجه به بافت و شرایطی، به عنوان انجام یک عمل قراردادی اجتماعی بشمار می‌روند» (Pahlevannejad, 2008). بیان برخی جملات در برخی بافت‌ها، نشان‌دهنده یک عمل اجتماعی است. بی‌گمان، شک فرهنگ هر جامعه‌ای را می‌توان براساس بررسی زبان آن جامعه دریافت. شیوه استفاده از واژگان و افعال در هر بافت موقعیتی و انگیزه بکارگیری از آن‌هاست که می‌تواند فضای فرهنگی یک جامعه و لایه‌های پنهان آن را در کل نمایان کند زیرا زبان یک جامعه است که در شکل‌گیری رفتار افراد آن جامعه نقشی بسزا دارد. به همین دلیل، بافت خود را در کنش‌های گفتاری نشان می‌دهد و این کنش‌های گفتاری ما را قادر می‌سازد تا بافت و بستر اجتماعی را که داستان در آن شکل گرفته است دریابیم. به بیان دیگر، موقعیت و جایگاه افراد به وسیله‌ی کنش‌های گفتاری آنان و در سطح کلان‌تر در بافت نمود می‌یابد (Sbisa, 2002).

به همین دلیل، بررسی موقعیت زمانی مکانی و افراد و جایگاه آن‌ها به مثابه بافت موقعیتی کلام، می‌تواند در تعیین نوع کنش‌های گفتاری تعیین‌کننده باشد. در ادامه پژوهش با استفاده از نظریه و روش جان سرل، هریک از این کنش‌ها با آوردن نمونه‌هایی از چهار داستان بررسی شده، شرح و بسط داده می‌شوند. رمان‌های انتخاب شده همگی فضایی روستایی و محروم را توصیف می‌کنند که در آن‌ها به بررسی کنش‌های گفتاری شخصیت‌های زن که نقش محوری در روند داستان دارند می‌پردازیم. بافت موقعیتی داستان نشان می‌دهد که شخصیت‌های زن در این رمان‌ها از قشر محروم جامعه هستند و همگی آن‌ها زنان خانه‌دار و دارای فرزند و کم‌سواد یا بی‌سواد هستند که در اثر مشکلات و شرایطی، امنیت خانوادگی‌شان به خطر می‌افتد. در این چهار رمان، شش شخصیت محوری بررسی شده است که همگی آن‌ها دارای سن و سال تقریباً یکسان هستند و در شرایطی یکسان به سر می‌برند. در تحلیل این رمان‌ها، کنش‌های گفتاری به ترتیب فراوانی بررسی شده‌اند و در نهایت، در چارچوب یک جدول به گونه کامل نشان داده می‌شوند.

بحث و بررسی

کنش گفتاری ترغیبی^۱

هدف غیربیانی از این کنش گفتاری، ترغیب شنونده یا مخاطب به انجام عمل و کاری است. این‌گونه کنش‌ها ممکن است بسیار فروتنانه (به‌صورت خواهش یا پیشنهاد) یا بسیار قاطعانه (به‌صورت اجبار و فرمان) باشند. مفهوم (مضمون) گزاره‌ای این کنش‌ها معمولاً همراه با خواست و آرزو است و گوینده از مخاطب می‌خواهد که فعلی را در آینده انجام دهد (Searle, 1979). نمونه بارز این کنش‌های گفتاری را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها دید. یا پرسش و درخواستی که مخاطب را ترغیب به انجام کاری کند. به بیان دیگر، می‌توان گفت که کنش ترغیبی نشان‌دهنده خواست‌ها و تمایلات گوینده است. این امر گاهی صریح و گاه تلویحی رخ می‌دهد و می‌توان براساس بررسی بافت، آن‌ها را تشخیص داد. افعال ترغیبی شامل: خواستن، توانستن، بایستن و لازم‌بودن، دست‌ور دادن، دعوت‌کردن، اجازه‌دادن، سؤال پرسیدن، بازخواست‌کردن، توضیح‌خواستن، اصرار و پافشاری‌کردن، توصیه‌کردن، نصیحت‌کردن، التماس‌کردن و... می‌شود (Searle, 1979).

در این رمان‌ها به‌طور مشترک، بیش‌ترین مقدار کنش‌های گفتاری زنان به کنش‌های ترغیبی اختصاص دارد. این زنان با وجود کم‌تربودن مقدار قدرت‌شان بازهم کنش‌های گفتاری صریح‌تر و قاطع‌تری نسبت به مردان دارند زیرا اغلب زنانی که شوهر دارند، شوهران‌شان هم تحت‌تأثیر شرایط قدرت حاکم، اغلب محافظه‌کارتر از زنان هستند؛ برای مثال، لیلو، خدیجه، مادر موشو، زن سقا، شهربانو و خاور برای فرزندان‌شان و نجات آن‌ها از شرایط سخت و رفاه آن‌ها دست به کنشگری می‌زنند و در این میان فقط خاور است که در خرید خمره به منافع همه بچه‌های مدرسه فکر می‌کند. در ادامه، این کنش‌های ترغیبی به‌ترتیب بیش‌ترین فراوانی بررسی شده‌اند.

پرسش

در این کنش گفتاری ترغیبی، گوینده با سؤال پرسیدن از مخاطب خود می‌خواهد به بیان و شرح وقایع و گاه دلایلی که سبب رخ‌دادن اتفاقی شده است بپردازد:

«او برای خوردن حلوا در مکتب عوعو کرده است؟» «این خیرگی و زبان‌آوری را از که آموختی؟» (Moradikermani, 2012).

در برخی از مواقع هدف گوینده از پرسش، هشداردادن و آگاه‌ساختن مخاطب از آینده و پیامدهای کاری است تا وی بتواند بهتر تصمیم‌گیری کند:

¹ - Directive

«اگه دیگه پشت کار نبردنت چی، از کجه میاری می‌خوری؟»، «مگر تو می‌تونی خشت‌مالی کنی؟ تو که از اول عمرت همش پشت کار قالی بودی و رنگ آفتاب ره ندیدی چطور می‌تونی تو زق آفتاب خشت بمالی؟» (Moradikermani, 2013.p105)، «این بچه پدر ندارد. پدرش سال پیش عمرش را داد به شما. اگر بچه‌ها او را توی چاه می‌انداختند چه می‌کردید؟» (Moradikermani, 2013).

دستور

در این کنش گفتاری ترغیبی، گوینده سعی دارد تا کاری را که خود قادر به انجامش نیست با امرکردن و ترغیب شنونده به انجام برساند. در این حالت، گوینده در کلام برای مخاطب خود نوعی الزام ایجاد می‌کند:

«ازبس بی سر و زبانی. باید پولت را بگیری. باید پول دریاوری. نباید به مفت‌خوری عادت کنی. نباید بی‌دست‌وپا باشی.»، «برخیز و پای پدرت را بمالان، شاید بهبود یابد.»، «باید کمک کنی خمره بخریم.»، «از فردا صبح راه می‌افتی تو شهر، فهمیدی؟» (Moradikermani, 2012).

بازخواست و اعتراض

گاه کنش‌های ترغیبی در چارچوب پرسش و در راستای بازخواست‌کردن و نشان‌دادن اعتراض به‌کار می‌رود و هدف گوینده از بیان آن‌ها ترغیب شنونده به تغییر رفتار یا پاسخ‌گویی و توجیه رفتارش است که به گونه معمول هدف گوینده از بیان آن‌ها نیز محقق می‌شود:

«مهر و ادبت کو؟ این‌گونه کودکان را ادب می‌آموزی؟»، «بد حرف می‌زنی، شیخ. آیا شیخی مثل تو که به کودکان ادب می‌آموزد، با میزان خود این‌گونه سخن می‌گوید؟»، «حالا خود هیچ! فرزندمان را چرا چنین کردی؟ فردا چه می‌کنی در بازار با نیشخند مردمان!»، «این چه حکایت است که تو نتوانستی به شاگردانت چنان درس دهی که برای چیزهای بی‌ارزش چنین خود را خوار و خفیف نکنند.»، «شما باعث شدید که از این‌جا برود. از بس غیبت کردید. از بس پشت سر این بنده خدا حرف‌های مفت زدید و اذیتش کردید، می‌خواهد برود» (Moradikermani, 2012).

پافشاری و اصرار

این کنش گفتاری ترغیبی، زمانی اتفاق می‌افتد که معمولاً پرسش، دستور و بازخواست گوینده کاری از پیش نمی‌برد و گوینده برای ترغیب مخاطب از اصرار و پافشاری که همراه با نوع ملایم‌تری از دستور است، استفاده می‌کند:

«دست کن توی جیب. چشم‌هات را ببند. خدا را یاد کن. هرچه به دستت رسید بده من. تا ندهی نمی‌روم» (Moradikermani, 2012)، «بیا از خر شیطون پیاده بشو، برو پیشش بگو: شما بزرگترین ببخشین. همیشه گفتن تقصیر از کوچکترايه، بخشش از بزرگترا. من هم اولادتم.» «بازم برو، بازم برو. شاید خدا به دلش رحم داد و گذشت کرد. پولتم نداد که نداد.» (Moradikermani, 2013).

خواهش و تمنا، توصیه و تقاضا

وقتی گوینده خود را در برابر شنونده عاجز و درمانده احساس می‌کند به خواهش و تمنا و گاه به تقاضا و توصیه روی می‌آورد، به امید این‌که کنش کلامی او در مخاطب اثر کرده و وی به مقصود خویش دست یابد:

«جناب سروان این یتیم است. نان آور من است. مجبور است با همین تنبک لقمه‌ای نان در بیاورد... به این سرکار بگویند بگذارند برود پی کارش»، «ای شیخ، اول خودت بخور تا کودکان از پس تو لقمه برگیرند» (Moradikermani, 2012).

الزام در انجام کاری و دعوت به مبارزه

در این میان، درصد کم‌تری از کنش‌های گفتاری ترغیبی به الزام امری و دعوت به مبارزه مربوط می‌شود زیرا این نوع کنش‌ها، به قدرت کنشگری مستقیم فرد مربوط می‌شود. به همین دلیل هم کنش‌های ترغیبی از این دست بیش‌تر در زمان خمره و از شخصیت خاور سر می‌زند که شخصیت مستقل و کنشگری است که شوهر ندارد و برای خرید خمره شکسته مدرسه خودش به تنهایی داوطلب می‌شود و در برابر حرف‌های مردم ایستادگی می‌کند. به همین دلیل اطرافیان او را دیوانه می‌دانند:

«اگر دولت نمی‌تواند برای این مدرسه خمره بخرد، بگویند خودمان پول جمع کنیم. پسر بزرگ می‌رود شهر خمره می‌خرد و می‌آورد»، «من باید خمره را ببرم و بگذارم گوشه‌ی مدرسه. حالا می‌بینی که این کار را می‌کنم.» (Moradikermani, 2012).

همان‌گونه که گفته شد، در میان این کنش‌های ترغیبی، سؤال پرسیدن و دستور دادن بیش‌ترین فراوانی را دارد و پس از آن بازخواست کردن و پافشاری و اصرار. برای مثال، در داستان **بچه‌های قالی‌باف‌خانه**، لیلو در مقابل شوهرش از کنش‌های ترغیبی سؤال و بازخواست استفاده می‌کند، اما در برابر کدخدا که شوهرش را دستگیر کرده بسیار صریح‌تر و قاطعانه‌تر از شوهرش صحبت می‌کند و ابتدا دستور می‌دهد که با واکنش منفی شوهرش برای ساکت کردنش روبه‌رو می‌شود و وقتی

حرف‌هایش نتیجه نمی‌دهد به التماس و اصرار و پافشاری برای رسیدن به خواسته‌اش رو می‌آورد. در داستان دیگر این رمان نیز خدیجه که زنی بیمار و باردار است بیش‌تر به ترغیب شوهرش برای برگشتن به سر کارش از راه سؤال پرسیدن از آینده و درنهایت، به اصرار و پافشاری رو می‌آورد. به همین خاطر می‌توان گفت تقریباً بیش‌تر کنش‌های گفتاری ترغیبی در برابر مردان دارای قدرت، فروتنانه و بمنظور ترغیب آنان به کنشگری در مسیر دلخواه آن‌هاست، اما در این میان باز هم بسامد بازخواست دیگرانی که از قدرت بیش‌تری نسبت به زنان برخوردارند، بالاست؛ بویژه در کنش‌های گفتاری ترغیبی لیلو و خاور که کنشگری بیش‌تری دارند، این امر کاملاً آشکار و برجسته است، اما همین کنش‌های ترغیبی در برابر فرزندان، حالت دستوری به خود می‌گیرد.

کنش گفتاری اظهاری^۱

هدف از این کنش، بیان درستی یک قضیه یا موضوع است و گوینده قصد دارد باور خود را با استفاده از بیان افعالی که صدق و کذب را مشخص می‌کنند (یا باور خود را با بیان افعالی که صدق و کذب موضوعی را ارزیابی می‌کنند) بیان کند. این‌گونه افعال گزاره صرف نبوده و توضیح‌پذیرند (Searle, 1979). این افعال شامل تأییدکردن، دلیل‌آوردن، اثبات‌کردن، معرفی‌کردن، توصیف‌کردن، تفسیرکردن، شرح‌کردن، نقدکردن، اعتراض‌کردن، بیان‌کردن، پاسخ دادن و... می‌شوند (Searle, 1979).

این کنش، توصیف حالتی یا حادثه‌ای است که گوینده باور خود را درباره درستی و نادرستی مطلبی بیان می‌کند و به‌نوعی نشانگر باورهای گوینده است. به باور صفوی، نمونه بارز این کنش‌های گفتاری را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند (Safavi, 2004).

بررسی کنش‌های گفتاری زنان در این چهار رمان نشان می‌دهد که بیش‌تر کنش‌های اظهاری به‌کاررفته در گفتارهای زنان، از نوع توصیف و شرح وقایع و رویدادهاست که بیش‌تر کنش‌هایی خنثی از نظر کنش‌های گفتاری به نظر می‌رسند، اما میزان کنش‌های گفتاری که بمنظور اثبات و دلیل‌آوردن و نقد و اعتراض بیان می‌شوند، زیاد است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان این کنش‌های اظهاری را مقدمه‌ای برای کنش‌های ترغیبی و در خدمت آن دانست زیرا بیش‌تر این کنش‌های اظهاری در ادامه به کنش‌های ترغیبی منجر می‌شود و به نوعی نماینده‌ی کنش ترغیبی بشمار می‌آیند:

^۱ - Assertive

نقد و اعتراض

گوینده از این کنش گفتاری زمانی استفاده می‌کند که آزادی بیشتری برای بیان نظرات و احساسات خود دارد. وی خود را در جایگاهی هم‌سطح و گاه بالاتر از مخاطب خود که اغلب مردان هستند، می‌بیند و عمل آن‌ها را نقد کرده و اعتراض خود را اعلام می‌کند:

«شمر اون کسی هست که حتی به خر زبون بسته هم رحم نمی‌کنه»، «تو دیگه زن داری، بچه‌ای تو راه داری. الان یه ماهه که همین‌جوری گرفتی گوشه خونه نشستی یا زانوته بغل می‌گیری، غصه می‌خوری یا می‌نشینی پشت منقل وافور. دِ بکش.» (Moradikermani, 2013).

اگرچه بسامد این نوع از کنش‌های اظهاری در این چهار رمان اندک است، در رمان **خمیره**، خاور از این کنش اظهاری بسیار استفاده کرده و به‌نوعی فرهنگ و عادت‌های مردم اطرافش را به چالش می‌کشد و اعتراض و نقد او نه به فردی خاص که به کل افراد محیط روستایی زندگی او برمی‌گردد: «تا بخواهد بیاید، تا بتواند بیاید، این مردم مرا می‌کشند. می‌گویند عباس پول خمیره را بالا کشیده...»، «مگر می‌شود، آقا. حرف مردم مثل تیر به قلب آدم می‌نشیند...»، «تازه مردم رویشان نمی‌شود جلوی شما حرف بزنند، اما به من بدبخت جلوی چشمم نیش می‌زند. جرأت ندارم لب رودخانه بروم»، «تو به پدرت می‌نازی، که درست نیست.»، «حلوها که بردی شهر را بهم ریختی.» (Moradikermani, 2013).

همان‌گونه که نمونه‌های آورده‌شده نشان می‌دهد، باوجود این‌که این کنش‌ها اظهاری هستند و به شرح حال و توصیف می‌پردازند، اما بمنظور ترغیب مخاطب به کار برده شده‌اند؛ برای مثال، با توجه به مثال‌های آورده‌شده، خدیجه با این کنش‌های اظهاری، به‌دنبال ترغیب همسرش برای بازگشت به سر کار و عذرخواهی از صاحب کارش برآمده است. لیلو نیز در داستان **بچه‌های قالی‌باف‌خانه** برای قانع کردن کدخدا برای بخشیدن همسرش از این کنش استفاده می‌کند، هم‌چنین، در داستان **خمیره**، خاور برای ترغیب مردم به جمع کردن پول خمیره و خرید آن به بیان وضعیت موجود می‌پردازد.

توصیف و بیان

در این کنش اظهاری، قصد گوینده توصیف و بیان اتفاق‌هایی است که رخ داده است و به‌ندرت پیش می‌آید که هدفی جز شرح آنچه رخ داده است، داشته باشد، اما همین کنش اظهاری نیز گاه در خدمت ترغیب و به‌منزله مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی برای ترغیب مخاطب به کار می‌رود:

«خمیره‌ی مدرسه شکسته، بچه‌ها توی مدرسه آب ندارند بخورند.»، «تو وضعت از همه بهتر است. دوتا باغ بزرگ داری.»، «چه جور بگویم. همه‌جا پیچیده که شما از همان گردو‌هایی که برای

خرید خمره جمع شده برای مادران فرستاده‌اید»، «بله، حتماً پشت برف مانده. گردنه را برف گرفته و می‌ترسد خمره توی راه بشکند. تا بخواهد بیاید، تا بتواند بیاید، این مردم مرا می‌کشند. می‌گویند عباس پول خمره را بالا کشیده...»، «چه قدر این بچه‌ها اذیت کردند و تو خون دل خوردی. دیدی چه شعری برایمان گفتند!»، «هشت تومان هم گذاشته روی پولش. تازه، کرایه‌اش را هم حساب نکرده»، «نمی‌دانی پشت سرمان چه حرف‌ها زده‌اند. خبر آورده‌اند که کباب خورده بودی و می‌رفتی سینما.» (Moradikermani, 2013).

دلیل آوردن

این کنش گفتاری اظهاری نیز زمانی ازسوی گوینده به کار گرفته می‌شود که وی قصد دارد محق بودن خود و یا دلیل کارهای خودش و دیگری را توجیه کند یا این که مخاطب خود را نقد کرده و به چالش بکشد:

«بله، حتماً پشت برف مانده. گردنه را برف گرفته و می‌ترسد خمره توی راه بشکند»، «این را تو به آموختی. او کودکی خجالتی و کم حرف و حرف‌شنو بود. پیش بزرگ‌ترها سر بلند نمی‌کرد و چیزی نمی‌گفت تا از او بپرسند. تمام خویشان این را می‌دانند. از وقتی به مکتب تو آمده چنین زبان‌باز و پرتوقع شده» (Moradikermani, 2013).

در کل می‌توان گفت که بیش‌تر این کنش‌های اظهاری نیز بمنظور ترغیب مخاطب انجام گرفته است و در بیش‌تر کنش‌های گفتاری اظهاری که به منظور بیان اعتراض و نقد شرایط و دلیل آوردن بیان شده‌اند، می‌توان ردپای باور شخصی گوینده را به گونه آشکار دید، چنان که در کنش‌های اظهاری خاور و لیلو به دلیل بسامد بالای این کنش‌ها، بیش‌تر می‌توان به باورها پی برد. بویژه این که هردو به بیان باور و نظرات‌شان در خارج از چارچوب خانواده و گاه حتی خارج از عرف اجتماعی می‌پردازند و به نوعی فضای فرهنگی و قدرت‌مدار پیرامون‌شان را به نقد می‌کشند.

کنش گفتاری عاطفی^۱

هدف غیربیانی از این کنش گفتاری، بیان چگونگی حالات مشخص روانی و احساسات شخصی گوینده است. گوینده تلاش می‌کند احساس خود را درباره موضوعی بیان کند. در این کنش، گوینده احساس خود را با قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و... بیان می‌کند (Searle, 1979). افعال این کنش شامل بیان آرزو، تشکرکردن، معذرت‌خواستن، سلام کردن، احترام‌گذاشتن، تأمل کردن، تبریک گفتن، پیش‌بینی کردن، ناسزاگفتن، تهدیدکردن و... است (Searle, 1979).

¹ - Expressive

در رمان‌های بررسی‌شده، پس از کنش‌های ترغیبی و اظهاری، کنش‌های عاطفی زنان بیش‌ترین فراوانی را دارد. طیفی گسترده از کنش‌های گفتاری عاطفی در این رمان‌ها استفاده شده است؛ از بیان ناراحتی و آرزو گرفته تا خشمگین‌شدن و توهین و تهدید. در کل مقدار کنش‌های عاطفی کم‌تر از کنش‌های ترغیبی و اظهاری است. بیش‌تر کنش‌های عاطفی در پایان یک گفت‌وگو با کنش‌های ترغیبی رخ می‌دهد؛ زمانی که گویا تلاش‌ها برای ترغیب دیگران بی‌نتیجه مانده و زنان به تهدید و عصبانیت یا نفرین و التماس رو می‌آورند یا در وضعیت‌های آرام‌تر که احتمال اثرگذاری خود را کم‌تر می‌دانند، به بیان ناراحتی، ترس و دل‌سردشدن می‌انجامد؛ برای مثال، خدیجه بیش‌تر به بیان یأس و آرزوهایش می‌پردازد و ناراحتی‌هایش را بیان می‌کند، چون بیمار و رنجور است.

بیان ترس، یأس و ناراحتی

«اسدو، تو فکر می‌کنی، این بچه سالم به دنیا می‌آید؟»، «دیدم که نفوس بد می‌زنم. هرکی مٹ من بوده یا بچه‌ش مرده یا خودش سر زارفته یا هردوشون...»، «اونا همه مثل من تو کارخونه شل و چلاق شده بودن. بیچاره نصرتو، سیزده چهارده سالش بیش‌تر نبود. تازه خدا می‌دونه چقدر زن سر زارفتن و ما خبر نداریم. همه‌شونم همین‌جوری بودن، مٹ من»، «تازه شل‌شدن یه درد بی‌درمونشه، خیلی‌اشونم که کور می‌شن. تازه اینا که خوبه، بی‌ناموسیا ره بگو، خودت می‌دونی که سر دخترا چی میارن! اوستاهایی که پسر دارن، خدایا از سر تقصیرشون نگذر.» (Moradikermani, 2013)، «وای چه بدبختی، چه خفتی! بمیریم ما، نبینیم چنین ذلتی.» (Moradikermani, 2012).

نفرین، ناسزا، شکایت‌کردن و عصبانیت

گوینده از این نوع کنش گفتاری عاطفی زمانی استفاده می‌کند که دیگر راهی برای اثرگذاری بر مخاطب خود نمی‌بیند، به بیان دیگر، دستش از همه‌جا کوتاه است و این راه را آخرین راه برای به‌دست‌آوردن مقصود می‌داند و انتظار دارد مخاطبش با شنیدن حرف‌هایش دست از آن کار بردارد. در میان شخصیت‌های چهار رمان بررسی‌شده، لیلو و مادر موشو بیش‌تر به نفرین و فحش و دعا و گاه تهدید رو می‌آورند:

«خدا کنه آتش به ریشه جونتون بگیره. الهی آب و نونتون سوار باشه و شما پیاده. هرچی بدوین نه به آب برسین نه به نون.»، «این بیچاره، الان دو ماهه که داره مٹ سگ ور ما، ور بچه تو، جون می‌کنه. تو خجالت نمی‌کشی مٹت ور تو سر و کله‌اش می‌زنی؟» (Moradikermani, 2013)، «حالا مرا می‌زنی، بدبخت آب‌فروش. آب‌فروشی کم از گدایی نیست» (Moradikermani, 2012).

ابراز محبت و بیان آرزو

کنش‌های عاطفی ملایم‌تر و عاطفی‌تری مثل قربان‌صدقه در هیچ‌یک از رمان‌ها وجود نداشت و فقط خاور است که گاه برای ترغیب دیگران برای رسیدن به خواسته‌اش ازین کنش عاطفی سود می‌جوید:

«خدا عمرت بدهد، جوان. پسرم دورت بگردم»، «ای خدا، قربانت بروم که مراد مرا دادی. عباس آمد با خمره. کجا بودی، مادر؟ دورت بگردم، چرا این‌قدر دیر کردی؟»، «خدا عمرتان بدهد که آمدید و آخرین آرزوی پیرمرد را برآورده کردید»، «کاش پدرم مرا به آب‌فروشی گدا و دردمند همچون تو نداده بود که هر روز پیش مردمان التماس کند و شب مرا تا صبح بیدار نگه دارد و به جانم بیفتد» (Moradikermani, 2012).

درکل می‌توان گفت، شخصیت‌هایی مانند خدیجه که جوان‌تر است و عاشق، به‌دلیل داشتن وابستگی عاطفی، بیش‌تر از کنش‌های گفتاری عاطفی استفاده کرده است و دیگر شخصیت‌ها بمنظور رسیدن به خواسته‌های‌شان از کنش‌های عاطفی قاطعانه‌تری همچون تهدید و نفرین استفاده کرده‌اند که بازهم این کنش‌ها در برابر مردان و قدرت‌مداری آن‌ها انجام می‌گیرد.

کنش گفتاری تعهدی^۱

این دسته از افعال کنش‌های غیربیانی هستند که خاطر نشان می‌کنند که گوینده در آینده کاری را انجام خواهد داد و خود را با بیان این افعال ملزم به انجام آن در آینده می‌کند (Searle, 1979). در این شیوه، گوینده با قول دادن و سوگند خوردن و... متعهد می‌شود کاری را در آینده انجام دهد. این افعال شامل قول دادن، هدیه‌دادن، توجیه و ثابت کردن، تعهد دادن، داوطلب شدن و قسم خوردن است (Searle, 1979).

«بله که خمره می‌خریم. گردنمان که برای خریدن یک خمره نشکسته. قول می‌دهم سر یک هفته خمره‌ای نو بگذارم این‌جا، جای این خمره شکسته»، «حرف این و آن را گوش نکن. خاور پای قولش می‌ایستد، سفت و سخت»، «حالا می‌بینی همین زن دیوانه بالاخره خمره را می‌خرد». (Moradikermani, 2012).

^۱ - Commissive

کنش گفتاری اعلامی^۱

در این کنش گفتاری، بیان فعل ضمانت اجرای آن است. به این معنا که بیان موفقیت‌آمیز این کنش گفتاری، سبب به‌وقوع پیوستن آن در زمان بسیار بسیار نزدیک می‌شود (Searle, 1979.16). افعال این کنش شامل نام‌گذاری کردن، عقد قرارداد، انتصاب کردن، به‌کارگماردن، آغاز کردن به کار، پایان‌دادن به کار و... می‌شود. در این شیوه، گوینده وضعیت جدیدی را برای شنونده بیان می‌کند (Searle, 1979.17).

به‌دلیل کم‌تربودن قدرت اجرایی و کنشگری زنان، کنش‌های اعلامی و تعهدی زنان در این رمان‌ها کم‌تر است زیرا کنش‌های گفتاری تعهدی و اعلامی نیازمند کنشگری مستقیم فرد است. تنها خاور شخصیت محوری زن در داستان **خمره** است که از کنش‌های اعلامی و تعهدی بیش‌تری استفاده می‌کند، آن‌هم به این دلیل که همان‌گونه که گفته شد، خاور زنی مستقل است که به‌طور مستقیم به کنشگری می‌پردازد. به‌همین دلیل هم در داستان، به‌مثابه شخصیتی هنجارشکن شمرده شده و دیوانه خطابش می‌کنند:

«هفته دیگر همین موقع خمره نو در گوشه مدرسه است»، «نه، خودم خواستم. بالاخره جلوی همه خمره را، جلوی چشم همه، می‌آورم و می‌گذارم گوشه مدرسه»، «او هم‌اکنون در راه است. باشد که آن‌گونه با تو رفتار کند که با سگان کوچک‌گرد» (Moradikermani,)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - Declaration

(2012).

جدول 1. کنش‌های گفتاری زنان در چهار رمان بررسی شده

نام کتاب	شخصیت	اظهاری	ترغیبی	عاطفی	اعلامی	تعهدی	یافت گفت‌وگو
بچه‌های قالیباف‌خانه	لیلو	تقدیر کردن، شرح و توصیف، دلیل آورد ن، اعتراض	سؤال کردن، بازخواست کردن، دستوردادن، اصرار و پافشاری، درخواست اطلاع کردن، توضیح‌خواستن، اعلام نیاز	تهدید کردن، تقرین کردن، خشمگین شدن، التماس کرد ن	—	قول دادن	زن_شوهر زن_دیگر مردان
	خدیجه	شرح و توصیف، دلیل آورد ن، اعتراض	سؤال کردن، بازخواست کردن، اصرار و پافشاری، اعلام نیاز	پیش‌بینی کر دن، ناامید و دلسرد شدن، آرزو کردن، عصبانی شدن , التماس کرد ن.	—	—	زن_شوهر
آب‌انبار	مادر عماد	شرح و توصیف، اثبات کرد ن، دلیل آورد ن، اعتراض، تقدیر کردن.	سؤال کردن، دستوردادن، بازخواست کردن، توصیه و القا کردن	بیان ناراحتی، تهدید کردن، توهین کردن، تقرین کردن، آرزو کردن	اعلام شرایط آینده	قول دادن	زن_شوهر

زن_شوهر	قول دادن	اعلام شرایط آینده	سؤال کردن، دستور دادن، بازخواست کردن، دن، توصیه و القا کردن	سؤال کردن، دستور دادن، بازخواست کردن، توصیه و القا کردن	شرح و توصیف، اثبات کرد، ن، دلیل آورد، ن، اعتراض، تقدیر کردن.	شهریانو	
زن_دیگر مردان	متعهد شدن	قول آغاز کار	قربان صدقه، تقاضا کردن، تشکر و دعا، آرزو کردن.	دستور دادن، بازخواست کردن، سؤال کردن، بایستن و لازم دانستن، اصرار و پافشاری، به مبارزه طلبیدن.	شرح و توصیف کرد، دن، تقدیر کردن، دلیل آورد، ن و اثبات کرد، ن، اعتراض.	خاور	پاره
زن_دیگر مردان	—	اعلام کرد ن (فقط یک مورد)	تهدید کردن، نفرین کردن، دعا کردن.	دستور دادن، سؤال کردن، پند و اندرز دادن، التماس کردن، اعتراض کردن.	شرح و توصیف کرد، دن، دلیل آورد، ن، مطمئن بود، ن، اثبات کرده، ن	مادر موشو	مشت بر پوست

نتیجه گیری

بافت کلی حاکم بر این چهار مان، فضایی روستایی و محروم را نشان می‌دهد؛ فضایی که در آن، ما با توازن قدرت میان افراد اعم از زن و مرد و کودک و بزرگسال روبه‌رو نیستیم. فضای داستان‌های بررسی شده عموماً فضایی مردسالار است و این مردان هستند که برای دیگران تصمیم می‌گیرند. بیش‌تر شخصیت‌های داستان را مردها (کدخدا، رئیس قالی‌باف‌خانه، شوهران و...) تشکیل می‌دهند و حتی فرزندان این خانواده‌ها نیز بیش‌تر پسر هستند. و در مقابل تعداد شخصیت‌های زن و دختر داستان‌ها بسیار اندک است. از همین‌رو، بسامد گفتگوی زنان با مردان در این چهار مان، بسیار بیش‌تر از بسامد گفتگوی زنان با زنان است که این امر، خود نشان‌دهنده فضای اجتماعی

مردسالارانه‌ی حاکم بر این رمان‌هاست. از سوی دیگر، تمامی زنان رمان‌های بررسی‌شده از قشر محروم و کم‌سواد روستایی، خانه‌دار و دارای فرزند بوده و کنش‌های گفتاری آن‌ها در راستای حفظ نظام خانواده و استحکام کانون خانواده است.

نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می‌دهند که زنان در این رمان‌ها، به دلیل قرارگرفتن در بافت اجتماعی روستایی از کم‌ترین میزان قدرت و حقوق انسانی برخوردار بوده و در بیش‌تر مواقع حتی حق تصمیم‌گیری برای خود و زندگی فرزندان خویش را نداشته‌اند. از این‌رو، به دلیل نداشتن حق کنشگری مستقیم، بیش‌تر از کنش‌های گفتاری ترغیبی استفاده کرده‌اند تا به گونه غیرمستقیم، دیگران را برای رسیدن به مقصود خود ترغیب کنند. بنابراین، سهم عمده از کنش‌های گفتاری زنان در این رمان‌ها، کنش گفتاری ترغیبی است و دیگر کنش‌ها سهمی کم‌تر دارند. حتی کنش‌های گفتاری اظهاری و عاطفی به‌کاررفته در این رمان‌ها، که از نظر بسامد کاربرد، پس از کنش گفتاری ترغیبی قرار می‌گیرد، بیش‌تر در راستای ترغیب دیگران و رسیدن به کمینه‌های شرایط زندگی است و به‌گونه‌ای می‌توان گفت کنش‌های گفتاری اظهاری به‌صورت مقدمه‌ای برای کنش‌های گفتاری ترغیبی رخ داده و کنش‌های گفتاری عاطفی بیش‌تر هنگامی رخ می‌دهد که تلاش‌ها برای ترغیب مخاطب به نتیجه نرسیده است. کنش گفتاری اعلامی و تعهدی، اما کم‌ترین بسامد را در میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل در چهار رمان بررسی‌شده دارند؛ به این دلیل که این دو کنش نیاز به کنشگری‌های مستقیم فرد دارد، اما به دلیل موقعیت اجتماعی زنان در فضای جامعه مردسالار این رمان‌ها و قدرت و نفوذ کم‌تر آن‌ها در اداره‌ی امور مربوط به زندگی خانواده خویش، جایی در این داستان‌ها ندارند.

روبهم رفته، می‌توان گفت چگونگی استفاده از این کنش‌های گفتاری به‌گونه‌ای نشان‌دهنده گفتمانی زنانه در شرایطی محروم و نابرابر با جامعه‌ای مردسالارانه و دارای قدرت است، اما نکته‌ی درخور اهمیت این است که تمامی زنان در جهت حفظ خانواده (شوهر و پسران) تلاش می‌کنند و کنش‌های گفتاری که نشان‌دهنده تلاش برای اهداف فردی و شخصی باشد در کل وجود ندارد و کنش‌های آن‌ها بیش‌تر دگرخواهانه است؛ آنان به واسطه کنش‌های گفتاری ترغیبی، در پی دستیابی به کم‌ترین خواسته‌های خویش در راستای حفظ خانواده هستند و به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط مردسالارانه و قدرت کم آن‌ها در راستای رسیدن به خواسته‌های خویش، کنش گفتاری مناسبی را انتخاب کرده و در بیش‌تر مواقع در دستیابی به هدف خود موفق بوده‌اند.

References

- Bakhtin, M. (2012). *Conversational imagination, comments about the novel*, translated by: roya Pourazar, Tehran: Ney.

- Dorpar, M. (2013). *Critical Stylistics (Stylistics of Ghazali Letters with Critical Discourse Analysis Approach)*, Tehran: Elm.
- Hosseinimasoum, M. & Khavari, F. (2014). "Comparison of speech acts in Persian SMS messages of young men and women based on Searle classification" *Journal of Research in Language and Linguistics*, Vol. 10, No. 93, PP: 75-88.
- Jalali, M. & Sadeghi, M. (2014). 'the analysis of women speeches in Garshasbname' *Literary and rhetorical research*, Vol. 2, No, 8, PP: 20-31.
- Safavi, Kh. (2004). *Introduction to semantics*, Tehran: Sure Mehr.
- Moradikermani, H. (2012 a). *Cistern*, Tehran: Moein.
- Moradikermani, H. (2012 b). *Fist on the skin*, Tehran: Moein.
- Moradikermani, H. (2012 c). *Kink*, Tehran: Moein.
- Moradikermani, H. (2013). *Carpet store kids*, Tehran: Moein.
- Pahlevannejad, M.R. & estahbanati, L. (2008). "Analysis of Speech acts in speeches by Iranian and American presidents, September 2006" *Foreign Languages research*, No. 51, PP: 1-22.
- Pahlevannejad, M.R. & Rajabzade, M. (2010). "Analysis of the textography of Imam Reza's Ziaratnameh based on speech act theory", *Islamic Studies: Philosophy and theology*, Vol, 42, PP: 37-54.
- Pishghadam, R. et al. (2014). *A Sociological View at the Curse Speech Act: Comparison of Persian and English Languages*, *Language and Translation Studies*, No. 2, PP: 20-31.
- Sbisa, M. (2002). "Speech act in context. *Language and communication*" 22, 421- 436
- Searle, J. (2006). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, Qom: Islamic Center of Science and Culture.
- Searle, R. John. (1979). *Expression and meaning: studies in the theory of the speech act*, Cambridge: Cambridge University press.
- Stephens, J. (2003). *Language and Ideology in Children's Fiction*. Printed and bound by Antony Rowe Ltd, Eastbourne.
- Zarghani, M. & Akhlaghi, E. (2011). 'Analysis of the genre of Shtah based on Speech Acts Theory', *Mystical literature*, vol. 3, No. 6, PP: 61-80.

